

آزمون مدل علی رابطه بین سبک‌های فرزند پروری، سبک‌های هویت و تعهد هویت در نوجوانان

محمود خباز^۱

دکتر اسماعیل سعدی پور^۲

دکتر نورعلی فرخی^۳

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۱۵

تاریخ وصول: ۸۹/۵/۴

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف ارزیابی رابطه بین متغیرهای سبک‌های فرزند پروری مادر، سبک‌های هویت و تعهد در اواسط نوجوانی و نیز ارزیابی مدل علی پیشنهادی بین این متغیرها (برزونسکی، ۲۰۰۴) بود. روش: ۴۱۵ نفر (۲۳۸ دختر، ۱۸۷ پسر) از دانش آموزان سال سوم دبیرستان منطقه ۲ شهر تهران از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و پرسشنامه سبک‌های پردازش هویت برزونسکی جمع‌آوری و با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی و تحلیل مسیر تحلیل شد. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد

۱- دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۳- عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و سبک‌های هویت در مجموع ۳۱ درصد از واریانس تعهد را پیش‌بینی می‌کنند. اما نتایج نشان داد که مدل علی پیشنهادی برزونسکی برآزش خوبی در نوجوانان ایرانی نداشت و مدل پیشنهادی در پژوهش حاضر رد شد. بحث: احتمالاً به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و قومی جامعه ایران با جوامع غربی و نیز نقش تفاوت سنی در الگوی رابطه بین متغیرهای این پژوهش، مدل علی برزونسکی در نوجوانان ایرانی تأیید نمی‌شود، اما در مجموع سبک‌های فرزند پروری مادر و سبک‌های پردازش هویت پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای تعهد نوجوانان ایرانی هستند.

واژگان کلیدی: سبک‌های فرزند پروری، سبک‌های هویت، تعهد.

مقدمه

نوجوانی^۱ مرحله‌ای است که با تغییرات اساسی در خود^۲ و نیز تشکیل یک هویت^۳ پایدار همراه است. به اعتقاد اریکسون^۴ (۱۹۶۸) مهم‌ترین هدف دوران نوجوانی رشد یک هویت شخصی است. فرایند رشد هویت یک فرآیند پیش‌رونده است که شامل یکپارچه‌سازی آگاهانه اعتقادات فرد راجع به خودش، اعتقاد فرد راجع به اینکه دیدگاه دیگران راجع به او چگونه است و تعهد^۵ نسبت به ارزش‌های شخصی و هدف‌های زندگی است (شوارتز^۶، ۲۰۰۵). در الگوی ماریسا هویت‌براساس دو بعد اکتشاف و تعهد شکل می‌گیرد (بیابانگرد، ۱۳۸۶). طبق گفته وایت^۷ (۲۰۰۹) تعهد به میزان سرمایه‌گذاری شخص و تصمیم فرد برای پذیرفتن ارزش‌ها، اعتقادات و مسیرهای شغلی ویژه قطع نظر از اینکه این‌ها توسط خود فرد تشکیل شده‌اند یا به

-
1. adolescence
 2. ego
 3. identity
 4. Erikson
 5. commitment
 6. Schwartz
 7. White

وسیله دیگران پرورش یافته‌اند اشاره دارد. این تعهدات شالوده هویت دریافتی توسط فرد است که اریکسون آن‌را به عنوان نتیجه مطلوب بحران هویت نوجوان در مقابل سردرگمی هویت معرفی می‌کند (وایت، ۲۰۰۹).

اخیراً برخی محققان به جهت‌گیری پردازش شناختی-اجتماعی یا سبک‌هایی که نوجوان به عنوان شاخص‌های هویت خود استفاده می‌کند متمرکز شده‌اند (برزونسکی^۱، ۲۰۰۳). نظریه هویت‌برزونسکی بر یک دیدگاه‌شناختی در رشد هویت تأکید دارد. طبق نظر برزونسکی (۱۹۹۰) هویت در یک کنش متمادی با جهان فیزیکی و اجتماعی رشد می‌کند. برزونسکی (۱۹۹۰) سه سبک پردازش هویت را مطرح می‌کند: ۱- سبک اطلاعاتی^۲ - ۲- هنجاری^۳ - ۳- سردرگم-اجتنابی^۴. افراد با سبک هویت اطلاعاتی به طور فعال به جستجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند، آنها تلاش می‌کنند تا اندیشه ورز، آگاه و گشوده نسبت به تجارب جدید باشند، آگاهانه به حل مسائل پرداخته و تصمیم گیرندگان هوشیاری باشند (برزونسکی، ۱۹۹۰؛ دولینگر^۵، ۱۹۹۵؛ سوئنس^۶، دوریز^۷ و گوئنس^۸، ۲۰۰۵).

افرادی که سبک هویتی هنجاری را مورد استفاده قرار می‌دهند، به طور خودکار توقعات و دستورالعمل‌های «اطرافیان مهم خود» را به اجرا می‌گذارند. آنها افراد با وجدان و هدف‌مداری هدف‌مداری هستند اما از پیش شکل گرفته‌اند و نسبت به اطلاعاتی که ممکن است اطلاعات و ارزش‌های شخصی آنها را به چالش بکشد کاملاً بسته عمل می‌کنند (برزونسکی و کینی^۹، ۱۹۹۵؛ سوئنس و همکاران، ۲۰۰۵a؛ برزونسکی و کوک^{۱۰}، ۲۰۰۰؛ برزونسکی، ۲۰۰۳).

-
1. Berzonsky
 2. informational style
 3. Formative style
 4. diffuse-avoidant style
 5. Dolinger
 6. Soenens
 7. Duriez
 8. Goossens
 9. Significant others
 10. Kinney
 11. Kuk

سبک‌هویت سردرگم - اجتنابی از یک ساختار هویتی پاره پاره و نامنسجم به وجود می‌آید. ویژگی اصلی این سبک سطوح پایین پردازش فعالانه اطلاعات و مهارت‌های حل مسئله محدود است. در واقع افراد با این سبک به میزان کمتری از روش‌های منطقی در فرآیند پردازش اطلاعات استفاده می‌کنند (سوئنس و همکاران، ۲۰۰۵).

نوجوان و هویش علاوه بر جنبه‌های فردی از زمینه اجتماعی (مثل تعاملات بین اعضای خانواده و همسالان) نیز تأثیر می‌پذیرد. این تأثیر برای سال‌ها ادامه یافته و حتی در ایجاد تغییرات تازه در هویت فرد تأثیرگذار است. روش‌های فرزندپروری والدین بخش مهمی از این زمینه اجتماعی هستند که نوجوان، رشد فردی و انتقال‌های زندگی خود را در آن تجربه می‌کند، در برمی‌گیرد (برونفن برنر^۱، ۱۹۸۶). در الگوی بامریند با توجه به دو عامل مطالبه‌گری^۲ و پاسخ‌دهی^۳ پاسخ‌دهی^۳ والدین، سه سبک فرزندپروری معرفی شده است (بیابانگرد، ۱۳۸۶).

سبک مقتدرانه^۴: والدین دارای این سبک با محبت بوده و رابطه گرم و صمیمی با فرزندان خود دارند. آنها ضمن کنترل منطقی فرزندان، توقعات منطقی و عاقلانه دارند. برای منع رفتار و جلب حمایت فرزندان دلایل روشنی ارائه می‌دهند. احساس و عقیده کودک را در امور مختلف جویا شده و در برابر اعمال او عکس العمل مناسب ارائه می‌دهند.

سبک مستبدانه^۵: در این سبک والدین از لحاظ اعمال کنترل منطقی رتبه پایین‌تری دارند. آنها بیشتر بر اعمال قدرت و انضباط اجباری تأکید دارند و در ضمن کمتر با فرزندان خود گرم و صمیمی هستند. آنها به فرزندان اجازه مخالفت با تصمیمات و قواعد خود را نمی‌دهند.

سبک سهل‌گیرانه^۶: این دسته از والدین فرزندان خود را کنترل نمی‌کنند و از آنها توقعی ندارند، در امور خانه نظم و ترتیب حاکم نیست، در تشویق و تنبیه فرزندان خود جدی نیستند و

-
1. Bronfenbrenner
 2. demandingness
 3. responsiveness
 4. authoritative
 5. authoritarian
 6. permissive

از فرزندان خود توقع رفتار عاقلانه ندارند و به آنها آموزش استقلال و متکی به نفس بودن را نمی‌دهند (ماسن و همکاران، ۱۳۷۷).

در بحث از اهمیت تعهد، پژوهش‌های گذشته نشان داده اند که این متغیر با تصمیم‌گیری سنجیده و حساب شده، مقابله‌ی مسأله‌محور، بهزیستی روانی، اکتشاف‌شغلی بالا؛ رابطه‌ی مثبت و با کمرویی، اهمال‌کاری، دلیل تراشی، جهت‌گیری مبتنی بر دیگران؛ رابطه‌ی منفی دارد (برزونسکی ۱۹۹۰؛ برزونسکی و فراری^۱، ۱۹۹۶؛ شگری و همکاران، ۱۳۸۶). با توجه به اهمیت تعهد در زندگی روانی نوجوانان، یافتن عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. سبک‌های فرزند‌پروری والدین و سبک‌های پردازش هویت فرد از جمله این عوامل هستند که ارتباط آنها با تعهد در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر طبق یافته‌های برزونسکی (۲۰۰۴) سبک‌های هویت به عنوان متغیر میانجی در ارتباط بین سبک‌های فرزند‌پروری و تعهد هویت عمل می‌کنند. سبک فرزند‌پروری مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده مثبتی برای سبک هویت اطلاعاتی است و تعهد هویت را نیز به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند. همچنین این سبک فرزند‌پروری، پیش‌بینی‌کننده سبک هویت هنجاری و نیز تعهد هویت به صورت مثبت است. برزونسکی (۲۰۰۴) دریافت که سبک فرزند‌پروری مستبدانه با سبک هویت هنجاری و تعهد هویت بیشتر در فرد همراه است. ضمناً این سبک فرزند‌پروری با سبک هویت سردرگم - اجتنابی نیز رابطه مثبت داشت ولی با تعهد هویت ضعیف‌تر همراه بود. سبک فرزند‌پروری سهل‌گیرانه پیش‌بینی‌کننده سبک هویت سردرگم - اجتنابی و تعهد هویت ضعیف است. با توجه به این نتایج برزونسکی (۲۰۰۴) نشان داد که هویت هنجاری به عنوان متغیر میانجی معنی‌دار بین دو سبک فرزند‌پروری مقتدرانه و مستبدانه با تعهد هویت عمل می‌کند و سبک هویت سردرگم - اجتنابی متغیر میانجی در ارتباط بین سبک‌های فرزند‌پروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با تعهد هویت است. میانجی‌گری سبک‌های هویتی در رابطه بین سبک‌های فرزند‌پروری و تعهد در مطالعه وایت (۲۰۰۹) نیز تأیید شده است. با این وجود از دیدگاه برخی

1. Ferrari

محققان سبک‌های فرزند پروری در گروه‌های مختلف قومی دارای تأثیرات متفاوتی هستند، از جمله هال^۱ و برسارد^۲ (۲۰۰۸)، به نقل از وایت، (۲۰۰۹) تفاوت معناداری در قومیت‌ها برای تأثیر سبک‌های فرزند پروری والدین روی شاخص‌های هویت مارسیا یافتند. این نتایج ضرورت مطالعاتی که به بررسی روابط این متغیرها و ارزیابی مدل ارائه شده توسط برزونسکی در فرهنگ‌ها و قومیت‌های متفاوت پردازد را ایجاب می‌کند. در نهایت به دلیل تأثیر سبک‌های هویت و تعهد در پیشرفت تحصیلی و رشد سلامت‌روانی نوجوانان (شکری، ۱۳۸۶؛ برزونسکی، ۲۰۰۳؛ حجازی، ۲۰۰۹)، با درک روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای این پژوهش می‌توان برای معلمان و والدین جهت ارتقای پیشرفت تحصیلی و سلامت روان نوجوانان (مخصوصاً نوجوانانی که دارای سطوح پایینی از تعهد هویت و سبک‌های هویت نابهنجار هستند) راهکارهایی ارائه کرد.

روش

پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی است. با در نظر گرفتن، تأثیر شاخص اقتصادی-اجتماعی خانواده بر شیوه فرزندپروری والدین (یو^۳، ۲۰۰۵)، و همچنین تفاوت سبک‌های هویتی نوجوانان در سنین مختلف (فیلیپس^۴، ۲۰۰۸)، جامعه پژوهش حاضر به کلیه دانش‌آموزان مقطع سوم دبیرستان‌های منطقه ۲ شهر تهران محدود شد، تا به نوعی تأثیر دو متغیر مزاجم سن و شاخص اجتماعی-اقتصادی تا حدی کنترل شود. افراد نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب گردیدند. شیوه انتخاب افراد نمونه و گردآوری داده‌ها بدین صورت بود که پس از هماهنگی با آموزش و پرورش منطقه ۲ اسامی کلیه دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه این منطقه تهیه شد. سپس به صورت تصادفی از بین کلیه دبیرستان‌ها، ۴ دبیرستان دخترانه و ۴ دبیرستان

1. Hall
2. Bersard
3. Yu
4. Phillips

پسرانه انتخاب گردید. با حضور در هر یک از دبیرستان‌های انتخاب‌شده، تعداد کلاس‌های سوم آن دبیرستان و تعداد دانش‌آموزان در حال تحصیل در آن مقطع مشخص گردید. با توجه به اینکه برآورد نمونه برای هر دبیرستان ۶۰ نفر بود به صورت تصادفی ۲ یا ۳ کلاس انتخاب شد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا موافقت دانش‌آموزان را برای شرکت در پژوهش جلب کردیم، بدین صورت که توضیحاتی درباره تحقیق، اهداف و مزیت‌های آن و نیز نحوه کامل کردن پرسشنامه‌ها به آنها ارائه کرده و به آنها درباره محرمانه ماندن اطلاعاتی که در اختیار ما می‌گذاشتند اطمینان دادیم. در مجموع ۴۱۵ نفر به صورت کامل به پرسشنامه‌ها پاسخ گفتند که از این تعداد ۱۸۷ نفر پسر و ۲۳۸ نفر دختر بودند که در دامنه سنی ۱۵-۱۷ سال قرار داشتند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌های بدست آمده، به کمک روش‌های آماری رگرسیون و تحلیل مسیر تحلیل شد.

ابزار سنجش

پرسشنامه اقتدار والدین^۱ (PAQ)

این پرسشنامه دارای ۳۰ سؤال است که ادراکات بازنگرانه نوجوانان و جوانان را از سبک‌های فرزند‌پروری والدینشان می‌سنجد (بوری^۲، ۱۹۹۱). این پرسشنامه از بعد نظری بر سنخ‌شناسی سبک‌های فرزند‌پروری بامریند مبتنی است. هر والد توسط یک فرم مشابه اما مخصوص پدر یا مادر (در پرسشنامه عنوان پدر یا مادر مشخص می‌گردد) مورد سنجش قرار گرفته و در سه سبک فرزند‌پروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه رتبه‌بندی می‌شوند. این پرسشنامه دارای یک مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت است. هر سبک شامل ۱۰ سؤال بوده و حداکثر نمره هر سبک ۵۰ است. ضریب پایایی گزارش شده توسط بوری (۱۹۹۱) برای مادران مقتدر: ۰/۷۸، مادران مستبد: ۰/۸۵، مادران سهل‌گیر: ۰/۷۵، پدران مقتدر: ۰/۸۵، پدران مستبد: ۰/۸۷، پدران

1. Parental Authority Questionnaire

2. Buri

سهل‌گیر: ۰/۷۴ بود. در پژوهش حاضر نیز فرم مربوط به مادران اجرا شد و ضرایب پایایی محاسبه شده برای سبک‌های مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه برای ۴۱۵ نفر آزمودنی به ترتیب: ۰/۶۹، ۰/۶۵، ۰/۴۹ بدست آمد.

پرسشنامه سبک‌های هویت^۱ (ISI-6)

این پرسشنامه که ابتدا توسط برزونسکی (۱۹۸۹) ساخته شده، دارای ۴۰ سؤال بوده و سبک‌های پردازش هویت فرد و میزان تعهد فرد را در هنگام اجرای پرسشنامه مورد سنجش قرار می‌دهد. پرسشنامه از چهار گزینه شامل کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، کاملاً مخالفم تشکیل شده است. وایت و همکارانش در سال ۱۹۹۸ به تجدید نظر در این آزمون پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر از فرم تجدید نظر شده (ISI-6) استفاده شده است. برزونسکی (۲۰۰۰)، ضریب آلفای کرونباخ سبک اطلاعاتی را ۰/۷۱ و سبک هنجاری را ۰/۶۵، سبک سردرگم-اجتنابی را ۰/۷۵ و مقیاس تعهد را ۰/۷۸ گزارش کرده است و ضریب پایایی را به روش آزمون مجدد و به فاصله زمان دو ماه بین ۰/۷۱ تا ۰/۷۵ گزارش کرده است.

آقاجانی (۱۳۸۰) طی هنجاریابی پرسشنامه مذکور، ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۷۴، سبک اطلاعاتی ۰/۶۷، سبک هنجاری ۰/۵۳، سبک سردرگم ۰/۵۴ و مقیاس تعهد ۰/۵۷ را به دست آورد. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ سبک اطلاعاتی ۰/۵۷، سبک هنجاری ۰/۵۳، سبک سردرگم-اجتنابی ۰/۵۹ و مقیاس تعهد ۰/۵۸ به دست آمد.

نتایج

همبستگی بین متغیرها

ماتریس همبستگی بین کلیه متغیرها در جدول ۱ آمده است. مطابق انتظار سبک‌های هویت با تعهد دارای رابطه معنادار هستند. سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با تعهد رابطه مثبت و

1. Identity style Inventory sixth Grade

سبک سردرگم-اجتنابی رابطه منفی داشت. اما از میان سبک‌های فرزند‌پروری تنها سبک مقتدرانه مطابق با پیش‌بینی با تعهد رابطه مثبت داشت. همچنین این سبک فرزند‌پروری، با سبک‌های هویت‌اطلاعاتی و هنجاری رابطه مثبت و با سبک سردرگم-اجتنابی دارای رابطه منفی بود. سبک فرزند‌پروری سهل‌گیرانه و مستبدانه با سبک هویت سردرگم-اجتنابی رابطه مثبت داشتند. اما برخلاف انتظار سبک فرزند‌پروری مستبدانه با سبک هویت هنجاری دارای ارتباط معنادار نبود.

جدول ۱. همبستگی میان سبک‌های فرزند‌پروری ادراک شده، سبک‌های هویت و تعهد هویت

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- هویت اطلاعاتی	۱						
۲- هویت هنجاری	۰/۳۷**	۱					
۳- هویت سردرگم	-۰/۱۶**	۰/۱۴	۱				
۴- تعهد	۰/۳۸**	۰/۴۷**	-۰/۲۷**	۱			
۵- سهل‌گیرانه	-۰/۰۰۳	۰/۰۴	۰/۱۰*	۰/۰۵	۱		
۶- مقتدرانه	۰/۲۹**	۰/۳۰**	-۰/۱۲*	۰/۳۱**	۰/۳۴**	۱	
۷- مستبدانه	-۰/۰۱۳	۰/۰۰۱	۰/۱۵**	۰/۰۵۲	-۰/۲۰**	-۰/۲۰**	۱

** $p < 0/01$ * $p < 0/05$

تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی

برای برآورد پیش‌بینی تعهد بوسیله سبک‌های فرزند‌پروری و سبک‌های هویت از روش رگرسیون چند متغیره سلسله مراتبی استفاده شد (جدول ۲). در مرحله اول سبک‌های فرزند‌پروری به عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد معادله رگرسیون شدند. در مجموع سه سبک فرزند‌پروری قادر به پیش‌بینی ۱۰ درصد از واریانس تعهد بودند ($R^2 = 0/1$). از میان سه سبک فرزند‌پروری تنها سبک فرزند‌پروری مقتدرانه در پیش‌بینی تعهد نقش ایفا می‌کرد ($\beta = 0/33$), $(p = 0/01)$.

با اضافه شدن سه سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی، به معادله رگرسیون میزان واریانس قابل پیش‌بینی تعهد هویت ۰/۲۱ افزایش می‌یابد ($F\text{-change} = ۴۵/۰۴$) و $p = ۰/۰۱$ ، که سهم هر یک از سبک‌های هویت تقریباً بدین شرح بود: اطلاعاتی ۵ درصد، هنجاری ۱۳ درصد و سردرگم-اجتنابی ۳ درصد. پس با توجه به جدول می‌توان انتظار داشت که ۰/۳۱ از واریانس تعهد هویت بوسیله سبک‌های فرزند‌پروری (۱۰ درصد) و سبک‌های هویت (۲۱ درصد) پیش‌بینی می‌شود. ضمناً با توجه به اینکه مقدار بتای سبک فرزند‌پروری مقتدرانه در گام دوم کاهش قابل توجهی داشته است ($\beta = ۰/۱۲$)، می‌توان نتیجه گرفت این سبک هویت نقش میانجی را در ارتباط بین سبک فرزند‌پروری مقتدرانه و تعهد ایفا می‌کند.

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی جهت پیش‌بینی تعهد از طریق سبک‌های فرزند‌پروری و سبک‌های هویت

متغیرهای پیش‌بین	گام ۱ β	گام ۲ β
فرزند‌پروری سهل‌گیرانه	-۰/۰۶	۰/۰۱
فرزند‌پروری مقتدرانه	۰/۳۳**	۰/۱۲**
فرزند‌پروری مستبدانه	۰/۰۰۳	۰/۰۰
سبک هویت اطلاعاتی		۰/۲۲**
سبک هویت هنجاری		۰/۳۷**
سبک هویت سردرگم-اجتنابی		-۰/۱۸**
تغییر در R^2		۰/۲۱**
R^2 کل	۰/۱**	۰/۳۱**

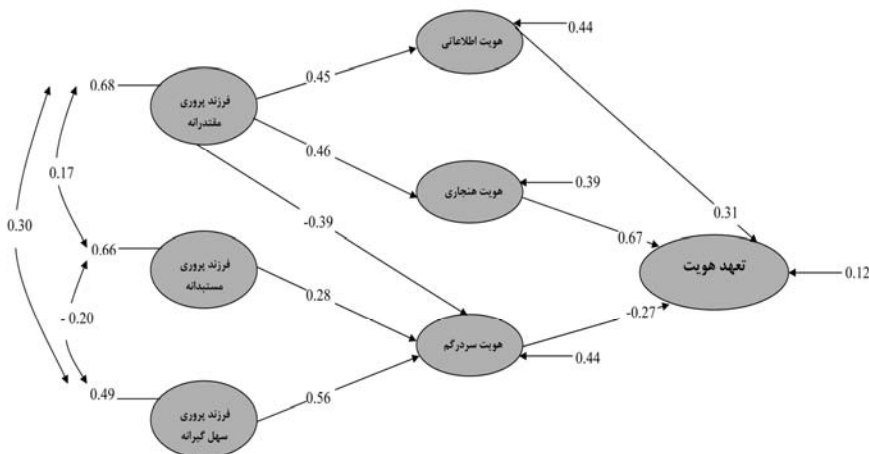
** $p < ۰/۰۱$ * $p < ۰/۰۵$

تحلیل مسیر

در نهایت برای پاسخ به این سؤال که «آیا سبک‌های هویت، رابطه بین سبک‌های فرزند‌پروری و تعهد هویت را میانجی‌گری می‌کند؟» از روش تحلیل مسیر استفاده گردید. در زیر به بررسی مدل مفهومی و نتایج حاصل از تحلیل مسیر می‌پردازیم:

مدل مفهومی: تعهد هویت مفهومی حائز اهمیت در دوره نوجوانی است، که بسیار مورد توجه دانشمندان حوزه هویت می‌باشد. نگاهی عمیق به مباحث نظری و پژوهشی مربوط به متغیر تعهد هویت نشان می‌دهد که سبک‌های فرزند‌پروری و سبک‌های پردازش هویت اثری تعیین کننده بر این متغیر دارند. برزونسکی (۲۰۰۴) این متغیرها را به صورتی منسجم در یک الگوی مفهومی ارائه کرد. نکته حائز اهمیت اینکه پژوهش‌ها نشان می‌دهد این متغیرها در جوامع و فرهنگ‌های مختلف و نیز جوامع سنی متفاوت ممکن است روابطی متفاوت داشته باشند. با در نظر گرفتن این موضوع در این پژوهش سعی بر آن است تا مدل مفهومی برزونسکی در جامعه نوجوانان ۱۷-۱۵ ساله ایرانی مورد بررسی قرار گیرد. در شکل ۱ نتایج حاصل از آزمون مدل علی تدوین شده براساس مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای برونزا از طریق متغیرهای واسطه‌ای درونزا بر روی تعهد هویت که از روش آماری تحلیل مسیر بدست آمده آورده شده است.

شاخص‌های برازش مدل بدست آمده توسط نرم افزار لیزرل نشان از عدم برازش کافی مدل با داده‌ها داشت. با توجه به شکل ۱ شاخص χ^2 در سطح $0/001$ معنادار است و این بدان معناست که مدل پیشنهادی با داده‌ها برازش ندارد ($P=0/001$ و $\chi^2=58/98$). شاخص‌های CFI، IFI، RFI، NNFI، AGFI نیز از ملاک مورد نظر ($0/9$) کوچکتر هستند و برازنده بودن مدل را رد می‌کنند. از میان کلیه شاخص‌های محاسبه شده تنها شاخص GFI برازش مدل را تأیید می‌کرد ($GFI = 0/961$). در مجموع می‌توان نتیجه گرفت مدل پیشنهادی برزونسکی (۲۰۰۴) برای رابطه بین متغیرهای سبک‌های فرزند‌پروری، سبک‌های هویت و تعهد؛ با داده‌های حاصل از جامعه پژوهش حاضر برازش ندارد.



شکل ۱. نتایج حاصل از تحلیل مسیر جهت پیش‌بینی تعهد از طریق سبک‌های فرزند‌پروری و سبک‌های هویت
 $\chi^2 = 58.98$, $df = 10$, $P\text{-value} = 0.00000$, $RMSEA = 0.109$

بحث

نقش میانجی سبک‌های پرورش‌دهی

در رابطه با این سؤال که آیا سبک‌های هویت در رابطه بین سبک‌های فرزند‌پروری و تعهد هویت نقش متغیر میانجی را ایفا می‌کنند یا خیر، نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد که جواب این سؤال منفی است. در واقع مدل مفهومی برزونسکی (۲۰۰۴) در مورد رابطه بین متغیرهای سبک‌های فرزند‌پروری، سبک‌های هویت و تعهد هویت در این مطالعه تأیید نشد. در تبیین این یافته بایستی بیان کرد که روابط بین سبک‌های فرزند‌پروری و متغیرهای مربوط به تحول هویت (مثل سبک‌های هویت و تعهد) هنگامی که نوجوانان در اوایل و اواسط نوجوانی در حال توسعه و تحول سبک‌های هویتی خود هستند متفاوت از زمانی است که آنها در اواخر نوجوانی بوده و در یک سبک هویت خاص تثبیت شده‌اند (برزونسکی و همکاران ۲۰۰۷؛ سوئنس و همکاران، ۲۰۰۴). از آنجا که مدل برزونسکی (۲۰۰۴) در دانشجویان سال اول

لیسانس (حدود ۱۹ ساله) تأیید شده است، یافته پژوهش حاضر حاکی از آن است که این روابط به‌طور دقیق و مشابه در نوجوانان ۱۵-۱۷ ساله ایرانی (اواسط نوجوانی) برقرار نیست. همچنین برزونسکی و همکارانش (۲۰۰۷) در پژوهش خود نقش میانجی سبک‌های هویتی را در رابطه بین متغیرهای مربوط به روابط والد-فرزندی و تعهد هویت افراد، در اوایل نوجوانی (۱۳ سالگی) بررسی کردند. آنها دریافتند که از بین سبک‌های هویت تنها سبک هویت هنجاری نقش میانجی را ایفا می‌کند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که الگوی روابط بین سبک‌های فرزند‌پروری، سبک‌های هویت و تعهد در طول دوران نوجوانی متفاوت است.

توجه دیگر مربوط به تفاوت‌های فرهنگی و قومیتی در سبک‌های فرزند‌پروری است، که در پژوهش‌های مختلفی که در این حوزه انجام شده مورد تأیید قرار گرفته است (هیل استروم^۱، ۲۰۰۹؛ چائو^۲، ۲۰۰۱؛ پارک^۳ و باوئر^۴، ۲۰۰۲). در صورتی که این تفاوت‌ها در نوجوانان ایرانی صادق باشد تفاوت در الگوی رابطه بین متغیرها قابل تبیین است. ولی با توجه به پژوهش‌های محدود انجام گرفته این حیطه در کشور ایران جهت اظهار نظر قطعی‌تر به انجام پژوهش‌های گسترده‌تری نیاز است.

پیش‌بینی تعهد بوسیله سبک‌های فرزند‌پروری و سبک‌های هویت

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی مشخص کرد که سبک فرزند‌پروری مقتدرانه تعهد را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های کمپل^۵ و همکاران (۱۹۸۴)، گروت وانت^۶ و کوپر^۷ (۱۹۸۵)، کمپتئر^۸ (۱۹۸۸)، پاپینی^۹ و همکاران (۱۹۹۸)، لومئر^{۱۰}

-
1. Hillstrom
 2. Chao
 3. Park
 4. Bauer
 5. Campbell
 6. Grotevant
 7. Cooper
 8. Kamptner
 9. Papini

لومر^۱ (۱۹۸۶) (که به بررسی مؤلفه‌های فرزند پروری پرداخته‌اند) و سرامو^۲ و همکاران (۲۰۰۸)، وایت (۲۰۰۹) و برزونسکی (۲۰۰۴) (که سبک‌های فرزند پروری را مطالعه کرده‌اند) همراستا است. در واقع والدینی که شیوه تربیتی مقتدرانه را به کار می‌بندند؛ صمیمیت، پاسخ‌دهی و تشویق به خودمختاری را در سطوح بالا و کنترل روان‌شناختی، تخریب نقش و فریب کمتری را بر فرزندان خود اعمال می‌کنند. پیامد این شیوه فرزندپروری تربیت نوجوانانی است که استقلال، اتکا به نفس و شبکه‌های اجتماعی گسترده تری داشته و ابزار با ارزشی جهت تصمیم‌گیری‌های مربوط به ایجاد تعهد نسبت به سیستم‌های ارزشی دارند. در واقع فرآیندهای حمایتی والدین در زمینه اکتشاف (مانند تشویق فرزندان برای جستجوی اطلاعات جدید به وسیله مطالعه و تجربه کاری) و تعهد (مانند توضیح والدین درباره اینکه چرا داشتن انتخاب‌های ژرف و روشن داری اهمیت است) و عدم تأکید زیاد به خروجی هویت سبب افزایش تعهد در فرزندان می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر مشخص کرد که سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه، تعهد هویت را پیش‌بینی نمی‌کنند. در مطالعه برزونسکی (۲۰۰۴) که بر روی دانشجویان سال اول دانشگاه انجام شد بین سبک فرزندپروری مستبدانه و تعهد هویت رابطه‌ای یافت نشد اما سبک سهل‌گیرانه تعهد را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کرد. این در حالی است که وایت (۲۰۰۹) در پژوهش خود که در جامعه دانشجویان سال آخر کارشناسی انجام شده عکس این نتایج را گزارش کرده است.

با توجه به اینکه تحول هویت امری وابسته به سن می‌باشد (فیلیپس، ۲۰۰۸)، می‌توان تفاوت در نتایج تحقیقات گذشته را در نتیجه انتخاب جوامع سنی متفاوت دانست. ضمناً تفاوت‌های قومی - فرهنگی و تأثیر آن بر سبک‌های فرزندپروری نیز می‌تواند دلیل اختلاف یافته‌های پژوهش‌های مختلف باشد.

1. Lomeo
2. Seramova

اما پژوهش حاضر نشان داد که هر سه سبک هویت، تعهد هویت را به‌طور معنی‌دار پیش‌بینی می‌کنند (سبک‌های اطلاعاتی و هنجاری به صورت مثبت و سبک سردرگم - اجتنابی به صورت منفی). این یافته هم‌راستا با نتایج پژوهش‌های وایت (۲۰۰۹)، برزونسکی (۲۰۰۴) و (۲۰۰۳) و برزونسکی و همکاران (۲۰۰۷) می‌باشد. در مطالعه اسمیتس و همکاران (۲۰۰۹) سبک هویت اطلاعاتی با تعهد هویت رابطه مثبت و سبک سردرگم - اجتنابی با آن رابطه منفی داشت، در حالی که سبک هنجاری با تعهد رابطه‌ای نداشت.

پیش‌بینی تعهد هویت بوسیله سبک هویت اطلاعاتی از آنجا ناشی می‌شود که افراد با سبک پردازش هویت اطلاعاتی دارای دو ویژگی الف) خوداندیشی بالا و پردازش فعالانه اطلاعات و ب) گشاده بودن نسبت به دریافت اطلاعات جدید هستند (سوئنس و همکاران، ۲۰۰۵). آنها در هنگام مواجهه با مسائل و تصمیمات فردی به جستجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود و تشریح دقیق مسائل می‌پردازند، ضمناً آنها هنگام برخورد با مسائل از راهبردهای مقابله‌ای مسئله محور استفاده می‌کنند (برزونسکی، ۱۹۹۰). مجموع این عوامل باعث افزایش ادراک اطلاعات جدید در حوزه هویت و پردازش و تحلیل منطقی این اطلاعات شده و سبب می‌شود نوجوانان بهترین تصمیم را در مواجهه با این مسائل اتخاذ کنند. در نهایت مواجهه با مسائل با رویکردی منطقی در حوزه‌های مربوط به هویت (ارزش‌ها و اعتقادات، شغل و غیره) توسط صاحبان سبک هویت اطلاعاتی به ایجاد تعهدی ژرف منجر خواهد شد.

افراد با سبک پردازش هویت هنجاری خود را با توقعات و دستورالعمل‌های «اطرافیان مهمشان» مطابقت می‌دهند. در واقع اتکاء یک‌جانبه آنها بر درونی‌سازی، تهدیدات بالقوه برای «خود» را کاهش می‌دهد. این افراد برای اینکه هویت و تعهدات مربوط به مباحث هویتیشان در معرض تهدید و تغییر قرار نگیرد نسبت به دریافت اطلاعات جدید مربوط به هویت گشودگی نشان نمی‌دهند (سوئنس و همکاران، ۲۰۰۵a).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بالعکس سبک‌های اطلاعاتی و هنجاری، سبک پردازش هویت سردرگم - اجتنابی تعهد هویت را به‌صورت منفی پیش‌بینی می‌کند. این یافته در

پژوهش‌های پیشین نیز تأیید شده است (برزونسکی، ۲۰۰۴؛ وایت، ۲۰۰۹؛ سراموا و همکاران، ۲۰۰۸). نوجوانان صاحب سبک‌هویتی سردرگم - اجتنابی از درگیری با مباحث مربوط به هویت طفره می‌روند یا اینکه آن‌را به تعویق انداخته و از آن اجتناب می‌کنند. در واقع آنها برای مقابله با مسائل و تعارضات شخصی بی‌انگیزه اند (برزونسکی ۱۹۹۰). آنها برای زندگی خود برنامه‌ای ندارند، برنامه‌ریزی شغلی و تحصیلی محدودی داشته و خودمختاری پایینی دارند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۵). آنچه از این ویژگی‌ها منتج می‌شود عدم درگیری فرد با مباحث مربوط به هویت است، که در نتیجه آن تعهدی نیز شکل نمی‌گیرد. در واقع افراد با سبک سردرگم - اجتنابی در مورد مباحث مربوط به هویت به نتیجه خاصی نمی‌رسند که نسبت به آن متعهد شوند. با توجه به نتیجه پژوهش حاضر مبنی بر اینکه سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های هویت توانایی پیش‌بینی تعهد هویت را دارا هستند، نخست به مراکز آموزش خانواده پیشنهاد می‌شود والدین را نسبت به اهمیت سبک تربیتیشان برای اکتساب هویت موفق فرزندان آگاه نموده و سپس سبک فرزندپروری مؤثر (که شیوه‌ای همراه با پذیرش، صمیمیت و پاسخ‌دهی، توقع‌های زیاد، بیان دلایل و استدلال همراه با اعلام اصول و توقعات و غیره است) را به آنها آموزش دهند. همچنین با توجه به اینکه محیط‌های کلاس درس بر نوجوانان تأثیر بسزایی دارند، با توجه به نتایج پژوهش حاضر مداخلاتی به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود: ۱- شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده هویت رشد یافته (مثل پردازش فعالانه اطلاعات، درگیری با موضوعات مربوط به هویت و حل مسئله) و برگزاری دوره‌هایی جهت ارتقاء این عوامل ۲- شناسایی نوجوانان با سبک هویت سردرگم - اجتنابی و برگزاری دوره‌های آموزشی برای این افراد جهت فراگیری مهارت‌هایی چون پیش‌بینی مشکلات، ایجاد استراتژی‌های شخصی برای حل مسائل و مقابله با مشکلات به صورت اساسی و برگزاری دوره‌های آموزشی اکتشاف شغل به صورت فردی و جمعی ۳- ارزیابی و مداخله در استراتژی‌های خاص هر سبک، بدین صورت که در سبک هویت اطلاعاتی به تشویق ابتکار و ارزیابی علایق، انجام مشاوره‌های شغلی و ارزیابی مستقلانه هر فرد پرداخته شود. برای افراد با سبک هویت هنجاری ارتقاء فرایندهای اکتشاف شخصی و نیز

ارزیابی تأثیرات خانواده مورد توجه قرار گیرد. در مورد افراد با سبک‌های سردرگم-اجتنابی پیشنهاد می‌شود که مهارت‌های شناختی آنها تقویت شود در حالی که به فعالیت‌های آنها صریحاً بازخورد داده می‌شود. همچنین بایستی این افراد را از فرصت‌های مربوط به هویت، شغل و تحصیل آگاه نمود.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر به بررسی الگوی رابطه سبک‌های فرزند‌پروری، سبک‌های هویت و تعهد در نوجوانان ۱۷-۱۵ ساله دبیرستان‌های منطقه ۲ تهران در یک مقطع زمانی خاص می‌پردازد، پیشنهاد می‌شود جهت تعمیم بیشتر نتایج، پژوهش‌های مشابه در جوامع بزرگتر و دامنه سنی بیشتری انجام شود. همچنین برای بررسی روند تحول هویت در طول دوران نوجوانی، انجام مطالعات طولی در دوره نوجوانی ضروری است.

منابع فارسی

- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۶). روان‌شناسی تربیتی. تهران: انتشارات ویرایش.
- شکری، امید؛ تاجیک اسماعیلی، عزیزا...؛ دانش‌پور، زهره؛ غنایی، زیبا؛ دستجردی، رضا. (۱۳۸۶). تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و بهزیستی روان‌شناختی: نقش تعهد هویت. تازه‌های علوم شناختی، سال ۹، شماره ۲: ۲۳-۴۶.
- ماسن، پاول هنری و همکاران. رشد و شخصیت کودک. ترجمه یاسایی. (۱۳۷۷). مهشید. تهران: نشر مرکز.

منابع انگلیسی

- Baumrind, D. (1991). *Parenting styles and adolescent development*. In Brooks-Gunn, J., Lerner, R., & Peterson, A. C. (eds.), *The Encyclopedia of Adolescence*, Garland, New York, pp. 746-758.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity*, 3, 131 - 142.
- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4, 267-281.

- Berzonsky, M. D. (1990). *Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation*. In G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer (Eds.), *Advances in personal construct psychology* (Vol. 1, pp. 155–186). Greenwich, CT: JAI press
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity style, parental authority, and identity commitment. *Journal of Youth and Adolescence*, 33(3), 213-220.
- Berzonsky, M. D., Branje, S. J. T., & Meeus, W. (2007). Identity-processing style, psychosocial resources, and adolescents' perceptions of parent-adolescent relations. *Journal of Early Adolescence*, 27(3), 324-345.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences*, 20, 597–606.
- Berzonsky, M. D., & Kinney, A. (1995, February). *Identity style and need for cognitive closure*. Paper presented at the Biennial Meetings of the Society for Research on Identity Formation, Dog Island, FL.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2000). Identity status, identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research*, 15(1), 81-98.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39(1), 235- 247.
- Bronfenbrenner, U. (1986). Ecology of the family as a context for human development: *Research perspectives*. *Developmental Psychology*, 22(6), 723-742.
- Buri, J. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110-119.
- Campbell, E., Adams, G. R., & Dobson, W. R. (1984). Familial correlates of identity formation in late adolescence: A study of the predictive utility of connectedness and individuality in family relations. *Journal of Youth and Adolescence*, 13, 509–525.
- Chao, R. K. (2001). Extending research on the consequences of parenting style for Chinese Americans and European Americans. *Child Development*, 72, 1832–1843.
- Dollinger, S. M. C. (1995). Identity styles and the five-factor model of personality. *Journal of Research in Personality*, 29(4), 475-479.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
- Grotevant, H. D., & Cooper, C. R. (1985). Patterns of interaction in family relationships and the development of identity exploration in adolescence. *Child Development*, 56, 415-428.
- Hejazi, E., Shahraray, M., Farsinejad, M. & Asgary, A. (2009). Identity styles and academic achievement: mediating role of academic self-efficacy. *Social Psychology of Education*, 12 (1), 123-135.
- Hillstrom, K. A. (2009). *Are acculturation and parenting styles related to academic achievement among Latino students?* Unpublished dissertation, University of Southern California.
- Kamptner, N. L. (1988). Identity development in late adolescence: Causal modeling of social and familial influences. *Journal of Youth and Adolescence*, 17, 493–514.
- Lomeo, C. M. (1998). *Identity development: The links between Coping style, Sibling relationships, and Parenting style*. Unpublished dissertation, University of New York

- Luyckx, K., Schwartz, S. J., Berzonsky, M. D., Soenens, B., Vansteenkiste, M., & Smits, I., et al. (2008). Capturing ruminative exploration: Extending the four-dimensional model of identity formation in late adolescence. *Journal of Research in Personality*, 42, 58–82.
- Papini, D. R., Micka, J. C., & Barnett, J. K. (1989). Perceptions of intrapsychic and extrapsychic functioning as bases of adolescent ego identity statuses. *Journal of Adolescent Research*, 4, 462–482.
- Park, H. S., & Bauer, S. (2002). Parenting practices, ethnicity, socioeconomic status and academic achievement in adolescents. *School Psychology International*, 23(4), 386–396.
- Phillips, T. M. (2008). Age-Related Differences in Identity Style: A Cross-Sectional Analysis. *Current Psychology*, 27, 205–215.
- Schwartz, S. J. (2005). A new identity for identity research: Recommendations for expanding and refocusing the identity literature. *Journal of Adolescent Research*, 20, 293–308.
- Seramova, B., Bianchi, G., Lasticova, B., Fichnova, K., & Hamranova, A. (2008). Analyses of Socio-Cognitive Identity Styles by Slovak Adolescents. *International Journal of Human and Social Sciences*, 2(4), 196–200.
- Soenens, B., Berzonsky, M. D., Vansteenkiste, M., Beyers, W., & Goossens, L. (2005a). Identity styles and causality orientations: In search of the motivational underpinnings of the identity exploration process. *European Journal of Personality*, 19, 427–442.
- Soenens, B., Duriez, B., & Goossens, L. (2005). Social-psychological profiles of identity styles: Attitudinal and social-cognitive correlates in late adolescence. *Journal of Adolescence*, 28, 107–125.
- Soenens, B., Luyckx, K., Beyers, W., Sierens, E., & Goossens, L. (2004, July). *Parenting dimensions and identity style*. Poster presented at the 18th biennial meeting of the International Society for the Study of Behavioural Development, Ghent, Belgium.
- White, R. J. (2009). *The role of parenting style, ethnicity, and identity style in identity commitment and career decision self-efficacy*. Unpublished dissertation, University of Southern California.
- Yu, B. (2005). *Family socioeconomic status and adolescence' academic achievement: parenting practice as mediator*. Unpublished Dissertation. University of Newfoundland.